



جستجو در متنی

مرتب سازی بر اساس

جستجو در درختواره



<span>خارج فقه</span>
<span>خارج اصول</span>
<span>اخلاق</span>
<span>تفسیر</span>
<span>عقاید</span>

## 68 - مسئله 23 (إن كان له مال غائب ...) - 15/11/85

**مسألة 23: إن كان له مال غائب بقدر الاستطاعة وحده أو مع غيره** (مال غائب به ضمیمه مال حاضر استطاعت را کامل می‌کند) و **يُجَنَّن من التصرف فيه** (مال غائب) **ولو بالتوكيل يكون مستطيعاً** و **إلا** (اگر تَجَنَّن از تصرف نباشد) فلا (مستطيع نمی‌شود) **فلو تلف في الصورة الأولى** (تَجَنَّن از تصرف دارد) **بعد مضيّ المَوسم** (موسم حج گذشت و حج نرفت) **أو كان التلف بتقصير منه** (موسم حج نگذشته ولی کوتاهی کرد و مال را از بین برد و حج نرفت) **ولو قبل أوان خروج الرفقة استقرّ عليه الحج على الأقوى** (در دو صورت حج مستقر است: موسم بگذرد و حج نیآورد و یا موسم نگذشته و از روی قصد اتلاف کرده ولی در صورتی که بدون تقصیر مال از بین برود مستطیع نخواهد بود) **و كذا الحال لو مات مورثه و هو في بلد آخر.**

مرحوم امام این مسئله را از مسئله 24 عروه بر گرفته است و تفاوت آن فقط در مقصرّ و غیر مقصرّ است که در متن عروه نیامده ولی در حواشی آن آمده است. قبل از عروه هم در کلمات دیگران اشاره چندانی به این مسئله نشده و فقط مرحوم نراقی(1) اشاراتی به آن دارند.

**ریشه مسئله:**

آیا استطاعت عرفی شرط است یا استطاعت خاصّ شرعی؟

سابقاً بیان شد که مدار استطاعت عرفی است.

آیا استطاعت عرفی به ملکیت حاصل می‌شود یا ملکیت به اضافه تَجَنَّن از تصرف یا ملکیت لازم نیست و فقط امکان تصرف کافی است؟

مالکیت بدون تَجَنَّن از تصرف کافی نیست مثل این که مالی دارد ولی ممنوع التصرف است چون نه استطاعت عرفی است و نه شرعی ولی اگر مالک است و امکان تصرف دارد قطعاً مستطیع است و در جایی که فقط تَجَنَّن از تصرف دارد و مالک نیست، مثل این که کسی مالی به او اباحه کرده است (که در مسئله 28 تحریر خواهد آمد؛ این اباحه در تصرف استطاعت عرفی می‌آورد، چون تعبیر «من استطاع إليه سبيلاً» و یا تعبیر «له زاد و راحله» فقط مالک بودن را نمی‌گوید و اباحه در تصرف هم که باشد کافی است.

**دلیل:**

این مسئله نصّ خاصّ ندارد و ما هستیم و عموماًت و قواعد و اطلاقات.

در ما نحن فيه در صورتی که هم ملکیت است و هم تَجَنَّن از تصرف، بلاشک این شخص استطاعت عرفیه دارد و مشمول اطلاقات است؛ و در صورت تلف سه حالت متصور است:

**1.** مال بعد از موسم تلف شده و این شخص با این که قدرت داشته حج را تأخیر انداخته، پس حج به گردنش مستقر شده است و باید با قرض کردن هم که شده حج را در اولین سال ممکن به جای آورد.

**2.** مال قبل از موسم بدون تقصیر تلف شده، در این صورت شخص مستطیع نیست مثل این که قبل از موسم در میان راه مال را دزد ببرد که در این صورت شخص از استطاعت افتاده و حج بر او مستقرّ نمی‌شود.

**3.** مال قبل از موسم با تقصیر تلف شود، پس اگر از روی تقصیر باشد و عمداً مال را از بین ببرد، مثل این که قبل از موسم مال را بیخشد و یا صرف امور دیگر کند ادله تسویف این شخص را شامل است، چون با این که می‌توانست حج به جای آورد مال را از بین برده است که در این صورت حج به گردنش مستقرّ می‌شود.

**جمع بندی:**

فقط در جایی که قبل از موسم یا بعد از حرکت بدون تقصیر مالش از بین برود حج به گردنش نمی‌آید، چون استطاعت حدوداً و بقاءً لازم است و وقتی حدوداً بود و بقا نداشت کشف می‌کند که این شخص مستطیع نبوده است ولی در دو صورت دیگر حج مستقر است.

**نکته:** سابقاً بحثی داشتیم که آیا استطاعت در موسم شرط است یا در سال؟

مشهور استطاعت در موسم را شرط می‌دانستند ولی ظاهر عبارت امام در مسائل سابق این بود که غیر از مبنای مشهور را می‌فرمایند و لذا فرمودند: و لا یجب حفظه فی العام القابل، حال با این که مرحوم امام مدار استطاعت را سال گرفتند در این مسئله بر موسم تکیه کردند که کلام مشهور است.

آیا تَجَنَّن باید به فعل باشد یا بالقوه؟

آیا می‌تواند کسب و کاری انجام داده و درآمدی داشته باشد و بعد از چند سال مستطیع شود؟ آیا این کسب و کار لازم است؟ همه معتقدند لازم نیست، حال اگر مایل بود چنین کند و با صرفه جویی و پس انداز به حج برود، وقتی مستطیع شد حج لازم می‌شود.

همه عناوین بالفعل است، وقتی گفته می‌شود فلانی میچند است مراد میچند بالفعل است و یا اگر گفته می‌شود فلانی خیّاط است، خیّاط بالفعل مراد است، بنابراین تمام عناوین مأخوذ در ادله ظاهر در فعلیت است ولی اگر القوّة القریبه من الفعل باشد، در استطاعت کافی است، به عنوان مثال طبیعی که می‌تواند همراه قافله برود و از هزینه طبابتش هزینه حج را درآورد و یا آشپزی که می‌تواند با پخت غذا برای کاروانیان هزینه حج را درآورد همه این موارد قوّة قریبه من الفعل است که می‌توانند هزینه حج را از فطشان بدهند و لو بالاکتساب است. و عنوان لله علی الناس حج البيت من استطاع إليه سبيلاً در جایی که قوّه قریبه از فعل است صدق می‌کند و ما آن را در استطاعت کافی می‌دانیم.

1. مستند، ج 11، ص 56 و 57.

**پی نوشت:**

تاریخ انتشار: « 1279/01/01 »

**مطالب مرتبط**

128- م 46(توقّف تخلیه السرب علی قتال العدو) - 16/03/86

127- ادامه مسأله 45 - 13/03/86

126 - ادامه مسأله 45 - 12/03/86

125 م 45 (ترك الحج مع وجود الشرايط و اتيانه مع فقد بعضها) - 08/03/86

124 - ادامه مسأله 44 - 07/03/86

123 - ادامه مسأله 44 - 06/03/86

\* متن